چهارم رمضان المبارک ۱۴۳۳

بسم‌اللّه‌الرّحمن‌الرّحیم‌
الحمد للّه‌ ربّ العالمین و الصّلاة و السّلام على سیّدنا و نبیّنا ابى‌القاسم المصطفى محمّد و على ءاله الأطیبین الأطهرین المنتجبین سیّما بقیّةاللّه‌ فى الأرضین.

**روزی می رسد که کار از کار گذشته**

خوشامد عرض میکنیم به همه‌ى برادران و خواهران عزیز، مسئولان مکرم و معزز دستگاه‌هاى گوناگون کشور؛ تشکر میکنیم از آقاى رئیس جمهور محترم، به خاطر گزارش خوبى که در اختیار همه‌ى ما قرار دادند.

آنچه که من در آغاز عرایضم عرض میکنم، تحریض و تحریض بر اغتنام فرصت این روزها و شبهاست. ما احتیاج داریم به این که از این ساعات، از این روزها و شبهاى پربرکت حداکثر بهره را ببریم؛ با تقویت رابطه‌ى قلبى خودمان با عالم معنا، با عالم غیب، با ابتهال و تضرع و خشوع در مقابل رب‌الارباب، و با استحکام پیوند ولایت خودمان با اهل بیت (علیهم‌السّلام) و این خاندان مکرم. این اساس همه‌ى کارهاى نیکى است که میتواند از یک انسان مؤمن و کوشنده‌ى در راه حق سر بزند.

اگر از این ساعات استفاده نکردیم، از این فرصت استفاده نکردیم، روزى براى ما مایه‌ى حسرت خواهد شد؛ [«و انذرهم یوم الحسرة اذ قضى الأمر و هم فى غفلة و هم لا یؤمنون»](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?sid=19&npt=7&aya=39#23495).(۱) در میانه‌ى غفلت و ناباورى، این فرصتها از دست میرود و در آن روزى که هر ساعت ما، هر دقیقه‌ى ما، هر حرکت ما، هر کلمه‌ى حرف ما حسابى دارد و محاسبه‌اى پاى آن هست، این غفلت مایه‌ى حسرت خواهد شد. آنگاه وقت هم دیگر گذشته است؛ «اذ قضى الأمر». کار از کار گذشته است؛ آن روزى که ما متوجه بشویم، ملتفت بشویم.

**حسرت مثل سرب گداخته در درون انسان سرازیر می شود**

مرحوم آقاى میرزا جواد آقاى ملکى (رضوان اللّه‌ علیه) در کتاب شریف «مراقبات»شان یک جمله‌اى به مناسبت ساعت لیلةالقدر دارند، که من یادداشت کردم. البته این مربوط به همیشه است، اما ایشان به این مناسبت فرموده‌اند. «فاعلم یقینا انّک ان غفلت عن مثل هذه الکرامة و ضیّعتها باهمالک»،؛ اگر غفلت کنیم، این فرصتها را تضییع کنیم، از دست بدهیم، بعد: «و رأیت یوم القیامة ما نال منها المجتهدون». وقتى روز قیامت میشود و اعمال انسانها را حاضر میکنند و صورت ملکوتى اعمال ما در آنجا حضور مى‌یابد، شما نگاه میکنید، مى‌بینید همین عملى که میتوانستید انجام بدهید و ندادید، این کلمه‌ى حرفى که میشد بزنید که در آن خیر مردمى بود و نزدید، این قدمى که میشد بردارید که کسان مستحقى از آن منتفع میشدند و برنداشتید، این کار کوچک، به وسیله‌ى کسانى انجام شده است؛ عده‌اى تلاش کردند، جد و جهد کردند و چه ثواب عظیمى خداى متعال آن روز به آنها میدهد. ما در آن روز از آن ثواب محرومیم. وقتى انسان مشاهده میکند دیگرى که این عمل را انجام داد، این کار خیر را انجام داد، این قدم را برداشت، این عمل عبادى را انجام داد، به چه دستاورد عظیمى در آن روزى که همه محتاجند، دست پیدا کرده است، ایشان میفرمایند: «ابتلیت بحسرة یوم الحسرة»؛ اینجاست که انسان دچار حسرت میشود؛ چه حسرتى! که اى کاش این کار را من انجام داده بودم، این قدم را برمیداشتم، این حرف را زده بودم، این کار را یا این حرف را ترک میکردم. بعد ایشان میفرمایند که حسرتِ «یوم الحسرة» مثل حسرتهاى معمولى نیست. انسان در دنیا هم گاهى اگر یک کارى را بکند، دستاوردى خواهد داشت؛ نمیکند، بعد دچار حسرت و ندامت میشود. اما این کجا و آن کجا؟ ایشان میفرمایند: «الّتى تصغر عندها نار الجحیم و العذاب الألیم»؛ این حسرت آنقدر سخت است، آنقدر دردآور است که در مقابل آن، آتش جهنم کوچک است. به تعبیرى، حسرت مثل سرب گداخته در درون انسان سرازیر میشود. «فتنادى فى ذلک الیوم مع الخاسرین النّادمین یا حسرتى على ما فرّطت فى جنب اللّه‌»، بعد «و لا ینفعک النّدم»؛ آن روز دیگر پشیمانى هم فایده‌اى ندارد.

**از فرصت خدمت حداکثر استفاده را بکنید**

امروز شما از نعمت زندگى برخوردارید، بسیارى‌تان از نعمت جوانى برخوردارید، بحمداللّه‌ همه‌تان یا اغلبتان از نشاط و توانائى جسمى و فکرى برخوردارید، میتوانید کار کنید، میتوانید از این ساعات خوش بهره ببرید؛ از این شبها، این دعاها، این مناجاتها، این شب‌زنده‌دارى‌ها، این نوافل. گاهى یک کار کوچک آنچنان اجر عظیمى دارد که انسان در این نشئه و در لابه‌لاى چهارچوبهاى مادى که قرار دارد، باورش نمى‌آید - «و هم لا یؤمنون»(۲) - اما هست. خب، این یک فرصت، که فرصت ماه رمضان است؛ آن هم یک فرصت، که فرصت خدمت است. امروز شما مسئولیت دارید، فرصت خدمت دارید، مدیریت دارید، میتوانید کار کنید؛ از این فرصت حداکثر استفاده را باید کرد. از ساعات و آنات و امکانات گوناگون که در اختیار شماست، استفاده کنید. هر حرکتى در این نظام اسلامى، در این کشور اسلامى و الهى که خدمتى براى پیشرفت کشور باشد، از لحاظ معنوى، از لحاظ مادى، اجرهائى دارد که انسان اگر در روز قیامت ببیند که کسانى برخوردارند و او محروم است، دچار یک چنین حسرتى خواهد شد. این حالا عرض ما، که به نظر من بخش اصلى و مهم عرایض امروز ما هم همین است. من خودم بیش از شما احتیاج دارم به این که به این نصیحت و توصیه عمل کنم. ان‌شاءاللّه‌ خداوند متعال به همه‌ى ما این توفیق را بدهد.

**ملت ایران از همه تهدید هاعبور کرد**

آنچه که من امروز آماده کرده‌ام عرض بکنم، این است که توانائى و ظرفیت ملت ایران در حفظ انقلاب و پاسدارى انقلاب عظمت و اهمیتى دارد که شاید بشود گفت از اهمیت خود اصل انقلاب کمتر نیست. ملت ایران در طول این سى‌وسه سال توانست این دستاورد عظیم را با کیفیت بالا حفظ کند. شما به این انقلابهائى که در این یک سال و نیم اخیر در منطقه اتفاق افتاده است، نگاه کنید. شما که به طور مجموعى نگاه میکنید، میتوانید قضاوت کنید که این انقلابها در جهت درست حرکت میکند یا نمیکند. دشمنان، مستکبرین، به طور مشخص رژیم صهیونیستى، دولت آمریکا، دولتهاى غربى، دارند تلاشهائى میکنند براى اینکه بر این انقلابها سوار شوند و آنها را منحرف کنند. شما ببینید اینها دچار چه چالشهاى بزرگى هستند.

با توجه به این چالشها انسان میفهمد چه کار بزرگى در کشور ما انجام گرفته است که این انقلاب در جهت درست به سمت آرمانها راه خودش را حفظ کرده است؛ از ریل [ارزشها](http://farsi.khamenei.ir/keyword-content?id=2245) و آرمانها بیرون نیفتاده است و حرکت خود را به جلو ادامه داده است. این در حالى است که چالشها و تهدیدها هم روند فزاینده‌اى داشته. از روز اول، تهدیدهائى که انقلاب و کشور با آنها مواجه بوده، دائماً پیچیده‌تر شده؛ هم ترور بود، هم شورشهاى قومى بود، هم جنگ بود، هم [تحریم](http://farsi.khamenei.ir/keyword-content?id=1226) بود، هم [محاصره](http://farsi.khamenei.ir/keyword-content?id=1926) بود. هرچه جلوتر آمدیم، تهدیدها را پیچیده‌تر کردند؛ دشمنان و مخالفین نظام، سردمدارى کردند. ماجراهاى تیر سال 78، ماجراهاى سال 88 ، همه انواع و اقسام تهدیدهائى است که این انقلاب و این کشور و این ملت با آنها مواجه بود. این ملت از همه‌ى اینها عبور کرد و با استحکام در راه خودش دارد پیش میرود. اینها چیزهائى است که ما امروز و همیشه نیاز داریم که آنها را مورد نظر قرار بدهیم؛ ما را کمک خواهد کرد در پیمودن راههاى دشوار، گذشتن از پیچهاى تند و گردنه‌هاى سخت.

**آرمانگرایی توام با واقع بینی؛شرط عبور موفق از گردنه های سخت**

چیزى که در این حرکتِ سى‌وسه ساله انسان مشاهده میکند، درسى که انقلاب داد و امام بزرگوار باقى گذاشت، این است که در این حرکت سى و سه ساله، آرمانها و آرزوهاى عظیمى که اسلام آنها را به ما القاء میکند و تعلیم میدهد، از نظر دور نماند؛ در عین حال واقعیتهاى موجود جامعه و جهان هم مورد توجه قرار گرفت؛ این کمک کرد به این که این حرکت بتواند ادامه پیدا کند؛ یعنى ترکیب [آرمان‌خواهى](http://farsi.khamenei.ir/keyword-content?id=983) و آرمان‌گرائى با واقع‌بینى. یک حرفى را سر زبانها انداختند، درباره‌اش نوشتند و گفتند؛ الان هم انسان در گوشه و کنار میشنود که ملاحظه‌ى واقعیتهاى جامعه و جهان، با آرمان‌گرائى نمیسازد. آرمان‌گرائى را اشتباه کردند با رؤیاگرائى. آنچه که ما میخواهیم دنبال کنیم و اصرار بر آن داریم، این است که واقع‌بینى، مشاهده‌ى واقعیات جامعه و جهان، با آرمان‌گرائى و تعقیب آرمانها و آرزوهاى بزرگ ملت ایران هیچگونه تنافى و تعارضى ندارد. اگر ما توانستیم آرمان‌گرائى را با واقع‌بینى و واقع‌گرائى همراه کنیم، ترجمه‌ى عملیاتى‌اش میشود اینکه ما تدبیر را با مجاهدت ترکیب کنیم؛ هم مجاهدت کنیم و مجاهدانه حرکت کنیم، هم این حرکت مجاهدانه در یک چهارچوب تدبیرشده‌اى قرار بگیرد؛ که این، آگاهى عمومى، آگاهى دست‌اندرکاران، همراهى دلها و زبانها در همه‌ى عرصه‌ها را میطلبد.

**ذکر آرمان ها بدون توجه به واقعیت،خیال پردازی است**

بعضى وانمود میکنند که آرمان‌گرائى با واقع‌بینى نمیسازد؛ این را ما بشدت رد میکنیم. بسیارى از آرمانهاى جامعه‌ى ما و مطالبه‌ى آنها جزو واقعیتهاى جامعه است. مردم مایلند [عزت ملى](http://farsi.khamenei.ir/keyword-content?id=1349) داشته باشند، مردم مایلند زندگى ایمانمدار و دینمدار داشته باشند، مردم مایلند در امور اداره‌ى کشور و مدیریت کشور سهیم باشند - یعنى [مردم‌سالارى](http://farsi.khamenei.ir/keyword-content?id=1046) - مردم مایلند پیشرفت داشته باشند، استقلال سیاسى و [اقتصادى](http://farsi.khamenei.ir/keyword-content?id=1709) داشته باشند؛ اینها خواسته‌هاى عمومى مردم است. این خواسته‌ها، واقعیتهاى جامعه است؛ این واقعیتها دقیقاً در جهت آرمان‌خواهى است؛ اینها که مسائل تحلیلى و ذهنى نیست، اینها که موهومات نیست، اینها که ذهنیات نیست؛ اینها واقعیاتى است که در جامعه وجود دارد. یک جامعه‌ى زنده و مؤمن دنبال این چیزهاست؛ میخواهد عزت ملى داشته باشد، میخواهد استقلال داشته باشد، میخواهد پیشرفت داشته باشد، میخواهد آبروى بین‌المللى داشته باشد؛ اینها خواسته‌هائى است که مردم دارند؛ اینها در جهت آرمانهاست؛ و این خواستن، جزو واقعیتهاى قطعى جامعه است. بنابراین واقعیات میتواند در خدمت و معطوف به آرمانها باشد. بله، ذکر آرمانها بدون توجه به واقعیتها و بدون ملاحظه‌ى سازوکارهاى معقول و منطقىِ رسیدن به آرمانها، خیال‌پردازى است؛ آرمانها در حد شعار باقى خواهد ماند؛ لیکن وقتى که مسئولان کشور آرمانها را به صورت منطقى و متین دنبال کردند، مردم همراهى کردند، اینجا آنجائى است که واقعیتهاى جامعه با آرمانها هماهنگ میشود. خب، این یک امر اساسى و یک پایه‌ى اساسى براى حرکت کشور است.

**توان دشمن بیشتر از آنچه که هست معرفی می شود؛این یکی از لغزشگاه هاست.**

من مایلم یک مقدارى از واقعیتهاى جامعه را مطرح کنم. واقعیتهائى وجود دارد که اگر ما این واقعیتها را در محاسبات خودمان نیاوریم، قطعاً در قضاوت اشتباه خواهیم کرد؛ در انتخاب راه هم اشتباه خواهیم کرد. این واقعیتها را باید دید. البته هیچکدام از این واقعیتهائى که من عرض میکنم، تحلیل نیست؛ همه واقعیتهاى مشهودِ پیش روى ماست.
من قبلاً این را عرض بکنم؛ ما وقتى که میخواهیم آرمان‌گرائىِ همراه با واقع‌بینى داشته باشیم - یعنى واقعیتها را ببینیم، بر اساس واقعیتها حرکت خودمان را تنظیم کنیم - باید توجه کنیم که به لغزشهائى که در اینجا ممکن است پیش بیاید، دچار نشویم. لغزشگاه‌هائى وجود دارد. یک لغزشگاه، واقعیتْ‌پندارى است؛ چیزهائى را که واقعیت ندارد، انسان واقعیت تصور کند. دشمنانى که جبهه‌اى را در مقابل کشور ما، ملت ما، انقلاب ما تشکیل دادند، سعى میکنند واقعیت‌سازى کنند، واقعیت‌نمائى کنند، یک چیزهائى را به عنوان واقعیتهاى مسلّم در نظر ما جلوه‌گر کنند؛ در حالى که واقعیتها آنها نیست. باید مواظب باشیم درگیر و دچار واقعیت‌سازى‌هاى خلاف واقع نشویم. فرض بفرمائید اگر چنانچه ما توان خودمان را بیشتر از واقع بدانیم، یا کمتر از آنچه که واقعیت است، بدانیم، دچار خطا خواهیم شد؛ توان دشمن را هم اگر بیشتر از آنچه که هست، یا کمتر از آنچه که هست، ببینیم، دچار اشتباه محاسبه خواهیم شد. این از آنجاهائى است که طراحان دشمن وارد میدان میشوند. شما ملاحظه کنید؛ در تبلیغات گسترده‌ى رسانه‌اىِ دشمنان ما سعى میشود توان داخلى و ملى کشور تحقیر شود و کوچک شمرده شود؛ متقابلاً توان دشمن بیش از آنچه که هست، معرفى شود؛ این یکى از لغزشگاه‌هاست. اگر ما از آن مقدارى که دشمن باید مورد ملاحظه قرار بگیرد، بیشتر او را محاسبه کردیم و بیشتر از او ترسیدیم، قطعاً دچار خطاى در محاسبه خواهیم شد؛ راه را عوضى خواهیم رفت؛ این یکى از لغزشگاه‌هاست.

**ندیدن همه واقعیت ها،خطای محاسباتی را به دنبال خواهد داشت.**

یکى از لغزشگاه‌ها در دیدن واقعیت، برمیگردد به درون خود ما. گاهى دلبستگى‌هاى ما فلج کننده است. دلبستگى‌هاى ما موجب میشود که ما یک چیزهائى را واقعیت بپنداریم که واقعیت ندارد؛ در واقع خطائى است که نفس راحت‌طلب ما یا دلبسته‌ى ما به مسائل مادى، بر ما تحمیل میکند؛ در حالى که واقعیت ندارد.

یکى از این لغزشگاه‌ها این است که انسان تصور کند دست یافتن به آرمانها بدون هزینه امکان‌پذیر است. ما در دوران مبارزات هم میدیدیم؛ بعضى‌ها بودند که اهداف مبارزات را قبول داشتند، اما حاضر نبودند در راه این مبارزات هزینه‌اى بدهند، قدمى بردارند. امروز چنین کسانى هم هستند؛ تصور میکنند که باید به هدفها رسید، بدون دادن هزینه؛ لذا آنجائى که پاى هزینه دادن در میان است، عقب میکشند. این عقب‌کشیدن‌ها در بسیارى از موارد موجب میشود که انسان در محاسبه اشتباه کند؛ خطى را که باید در مقابل دشمن دنبال کند، دنبال نکند.

یک لغزش دیگر این است که ما بخشى از واقعیتها را ببینیم، بخش دیگرى از واقعیتها را نبینیم؛ این هم موجب خطاست؛ خطاى در محاسبه را به دنبال خواهد داشت. واقعیتها را باید با هم دید و دانست.

**فشارهای دشمن موجب تجدید نظر در محاسبات ایران نمی شود.**

حالا من یک تعدادى از این واقعیتها را میگویم. مدعى نیستیم که همه‌ى واقعیتهاى کشور را در اینجا بیان خواهیم کرد؛ لیکن یک مدخلى است، میتواند چشم ما را به سوى واقعیتهاى گوناگون باز کند. ما در چه وضعى هستیم؟ کجا قرار داریم؟ چه داریم؟ چه نداریم؟ ملاحظه‌ى این واقعیتها، با قضاوتى که بنده در این مسئله پیش خودم دارم، بسیار امیدبخش است. وقتى ما واقعیتها را کنار هم میگذاریم، اینها را ملاحظه میکنیم؛ احساس میکنیم که راه ملت ایران به سوى آرمانهاى بلند، یک راهِ گشوده است. این راه، چالش دارد؛ اما راه باز است، بن‌بست وجود ندارد. هدف جبهه‌ى مخالف نظام اسلامى و انقلاب اسلامى و دشمن ما این است که راه را بن‌بست نشان بدهد. خودشان هم میگویند ما بایستى این کارها را بکنیم، این فشارها را وارد کنیم، این محاصره را بکنیم، این تحریم را بکنیم، تا مسئولان جمهورى اسلامى در محاسبات خودشان تجدیدنظر کنند. من عرض میکنم؛ ملاحظه‌ى واقعیتها نه فقط موجب میشود ما در محاسبات گذشته‌مان تجدیدنظر نکنیم، بلکه ما را به درستىِ راهى که پیمودیم و راهى که انقلاب جلوى ما گذاشته، مطمئن‌تر میکند.

یکى از واقعیتهاى موجود کشور - که امروز بیش از سالهاى گذشته هم این واقعیت به رخ نظام اسلامى کشیده میشود - وجود فشارها و تهدیدهاست. کشور با زورآزمائى چند قدرت و دولت مستکبر روبه‌رو است. همین طور که مکرر عرض کردیم، طرف مقابل ما جامعه‌ى جهانى نیست، دولتها نیستند، ملتها نیستند؛ چند دولتند؛ منتها دستگاه رسانه‌اىِ قوى دارند. این چیزى که ما باید اقرار کنیم که آمریکائى‌ها و غربى‌ها انصافاً در این قضیه قوى هستند، قدرت رسانه‌اى است، قدرت تبلیغات به معناى پروپاگاندا است؛ همانى که خودشان میگویند. آن چیزى که ما اقرار میکنیم که اینها در آن قوى هستند، قدرت تبلیغاتى و قدرت رسانه‌اى و وانمود کردن مطالبى است که میخواهند وانمود شود. امروز اینها با توان تبلیغاتى و رسانه‌اىِ بالاى خود بشدت دارند این را تبلیغ میکنند و میگویند، و این واقعیت دارد که چند دولتند؛ منتها با همین نیروى رسانه‌اى، خودشان را به نام «جامعه‌ى جهانى» معرفى میکنند، و دروغ میگویند؛ جامعه‌ى جهانى نیست. این یک واقعیت است.

**سیاهی لشکری که موجودیتی از خودشان ندارند.**

ما با زورآزمائى چند دولت و چند قدرت استکبارى مواجه‌ایم. اینها یک سیاهى‌لشکر هم پشت سرشان دارند، که آنها هم با ما مخالفند؛ اما آنها موجودیتى از خودشان ندارند، توانى ندارند. اگر دست حمایت قدرتى مثل آمریکا از روى سرشان برداشته شود، صفرند؛ در معادلات جهانى و بین‌المللى به حساب نمى‌آیند؛ لیکن حالا به عنوان سیاهى‌لشکر، پشت سر آمریکا و پشت سر رژیم صهیونیستى و شبکه‌ى صهیونیسم دنیا دارند حرکت میکنند. این یک واقعیتى است، این در مقابل ماست، این از اول انقلاب شکل گرفته؛ کم هم نشده و افزایش هم پیدا کرده. البته در بزرگنمائىِ این واقعیت هم همه همدستند؛ این جزو همان لغزشگاه‌هاست. سعى میکنند این واقعیت را هرچه بزرگتر و شدیدتر و سخت‌تر و تلخ‌تر نشان بدهند. ما این را قبول داریم که در مقابل ما فشار هست، تحریم هست، توانائى‌هاى اقتصادى، توانائى‌هاى سیاسى، امنیتى و امثال اینها و بخصوص رسانه‌اى پشت سر این حرکت وجود دارد؛ این یک واقعیت است.

**ادعای دروغی که واقعیت دارد**

واقعیت دیگرى که در کنار این واقعیت باید دیده شود، این است که وانمود میشود این زورآزمائى به خاطر مثلاً مسئله‌ى هسته‌اى یا مسئله‌ى [حقوق بشر](http://farsi.khamenei.ir/keyword-content?id=2248) است؛ و این دروغ است. دروغ بودن این ادعا، یکى از واقعیتهاست. نه اینکه ما بگوئیم این واقعیت است؛ امروز در دنیا کسى نیست که باور کند آمریکا دنبال حقوق بشر است، دنبال حقوق ملتهاست؛ یا رژیم صهیونیستىِ نسل‌کش و کودک‌کش دنبال اجراى [دموکراسى](http://farsi.khamenei.ir/keyword-content?id=1930) در کشورهاى دنیاست. پرونده‌ى آمریکا، پرونده‌ى رژیم صهیونیستى، پرونده‌ى همین چند قدرت که در مقابل جمهورى اسلامى قرار دارند، از لحاظ مسئله‌ى حقوق بشر و طرفدارى از حقوق ملتها و حقوق انسانها، پرونده‌ى بسیار سیاهى است. شصت سال نسل‌کشى در فلسطین، نقض حقوق بشر نیست؟ دادن سلاح اتمى به دولت غاصب صهیونیستى، نقض صلح جهانى نیست؟ اینهائى که این کارها را کردند، میتوانند مدعى دفاع از صلح جهانى باشند؟ دادن سلاح شیمیائى به کسى مثل صدام، نقض حقوق بشر نیست؟ کارهائى از قبیل آنچه که در ابوغریب و گوانتانامو و افغانستان و عراق و نقاط دیگرى از دنیا به وسیله‌ى آمریکائى‌ها، به وسیله‌ى غربى‌ها، به وسیله‌ى انگلیس اتفاق افتاده است، جائى براى ادعاى دفاع از حقوق بشر باقى میگذارد؟ بنابراین اینکه اینها میگویند مقابله‌ى ما با جمهورى اسلامى براى حقوق بشر است، دروغ است؛ این هم که میگویند مقابله‌ى با جمهورى اسلامى براى سلاح هسته‌اى است، دروغ است؛ این را ما اول با حدس بیان میکردیم، بعد در مذاکرات و مبادلات بین‌المللى براى ما روشن شد که آنها میدانند جمهورى اسلامى دنبال سلاح هسته‌اى نیست؛ این را باور کردند و قبول دارند، و واقعیت هم همین است؛ در عین حال مسئله‌ى سلاح هسته‌اى را مطرح میکنند. پس ادعاى اینکه این فشارها، این تحریمها، این محاصره‌ها، این دشمنى‌ها و خصومتها به خاطر مسئله‌ى سلاح هسته‌اى و مسئله‌ى توان هسته‌اى است، یک دروغ است؛ این دروغ بودن هم یک واقعیت است.

**مخالفت دشمنان به خاطر اصل انقلاب و اصل تشکیل نظام اسلامی است.**

واقعیت این است که مخالفت آنها به خاطر اصل انقلاب و اصل تشکیل نظام اسلامى است. اینها در این منطقه با خیال راحت داشتند حکومت میکردند. کشورى مثل ایران با این منابع سرشار، با این امکانات فراوان، توى مشت آنها بوده است؛ هر کار میخواستند، میکردند؛ هر تصمیمى میخواستند، میگرفتند؛ از امکانات این کشور در پیشبرد مقاصد خودشان همه‌ى استفاده‌ها را میکردند، ولى الان از آن محروم شده‌اند. فقط این هم نیست؛ این حرکت موجب شده است که این داعیه و این انگیزه در دنیاى اسلام [بیدار](http://farsi.khamenei.ir/keyword-content?id=1648) شود، که امروز نشانه‌هایش را در شمال آفریقا و در خاورمیانه و در همه‌ى کشورها و ملتها داریم مشاهده میکنیم؛ اینها از این ناراحتند. نقطه‌ى کانونى، جمهورى اسلامى است؛ میخواهند به جمهورى اسلامى ضربه وارد کنند و این را عبرتى قرار بدهند براى دیگران؛ انگیزه‌ى واقعى این است. این هم یک واقعیت است.

یک واقعیت دیگر این است که این چالشهائى که امروز براى جمهورى اسلامى وجود دارد، جدید نیست. این هم تحلیل نیست، این واقعیت است؛ این را همه مى‌بینند، مشاهده میکنند. یک روزى بود که کشتى‌هاى نفتى و غیرنفتى ما را در خلیج فارس میزدند؛ یک روزى بود که پایانه‌ى نفتى خارک را بمباران میکردند؛ یک روزى بود که همه‌ى مراکز صنعتىِ موجود ما زیر چتر بمباران دشمن بود؛ اینها چیزهائى است که به چشم خودمان دیدیم؛ ما این روزها را گذراندیم؛ اینها براى ما جدید نیست. امروز جرأت نمیکنند به جمهورى اسلامى نزدیک شوند - که حالا عرض خواهم کرد - این هم بخش دیگرى از واقعیتهاست. یک روزى این جرأت را داشتند، مى‌آمدند، ضربه میزدند، حمله میکردند. جنگ صدام با ما که جنگ یک دولت با ما نبود؛ جنگ بین‌المللى علیه ما بود. بنابراین، این چالشهائى که وجود دارد - تهدید میکنند، میگویند، میشمرند، بزرگنمائى میکنند - براى جمهورى اسلامى جدید نیست. این هم یک واقعیت.

**واقعیت الگو سازی در دنیای اسلام**

یک واقعیت دیگر این است که نظام جمهورى اسلامى از همه‌ى این دشوارى‌ها و گردنه‌هاى سخت عبور کرده. مگر عبور نکردیم؟ مگر متوقف ماندیم؟ مگر توانستند به جمهورى اسلامى ضربه وارد کنند؟ مگر توانستند به آرمانها و اصول جمهورى اسلامى خدشه‌اى وارد کنند؟ نتوانستند. این هم یک واقعیت است. این واقعیتها باید دائماً جلوى چشم ما باشد.

یک واقعیت دیگر این است که ما در همین شرائط تهدید، پیشرفت کردیم. در طول این سالهاى متمادى، ما در همه‌ى حوزه‌ها جلو رفتیم؛ در حوزه‌ى دانشهاى پیچیده پیشرفت کردیم؛ در حوزه‌ى فناورى‌هاى مورد نیاز کشور پیشرفت کردیم؛ در زمینه‌ى دارو، حمل و نقل، مسکن، آب، راه، کشور پیشرفتهاى برجسته‌اى کرده؛ که امروز بخشى از آمارها را آقاى رئیس جمهور گفتند و شما شنیدید. با وجود همه‌ى این فشارها، کشور در طول این سالها مرتب جلو رفته است. در حوزه‌ى بعضى از دانشهاى مهم و انحصارى و منحصربه‌فرد - در لیزر، در نانو، در سلولهاى بنیادى، در صنعت هسته‌اى - کشور رتبه پیدا کرده. خب، اینها الگوسازى در دنیاى اسلام است؛ این یک واقعیتى است. ما متوقف نماندیم، ما دائم پیش رفتیم. نظام جمهورى اسلامى با همه‌ى این تهدیدهائى که وجود داشته است - از قبیل تحریم و غیرتحریم و تهدید و کارهاى گوناگونِ پیچیده‌ى امنیتى و سیاسى و غیره - این پیشرفتها را داشته است. این هم یک واقعیت است؛ این هم تحلیل نیست؛ این هم محسوساتى است که جلوى چشم همه‌ى ماست. شما مسئولین محترم هم بهتر از آحاد مردم اینها را میدانید.

**آمریکای امروز،آمریکای زمان ریگان نیست...**

یک واقعیت دیگر این است که کشور در مواجهه‌ى با چالشها و تهدیدها، در مقایسه‌ى با سالهاى اول انقلاب، بمراتب قوى‌تر شده. امروز ما در مواجهه‌ى با تهدیدها، از روز اول خیلى قوى‌تریم؛ هم [اعتماد به نفسمان](http://farsi.khamenei.ir/keyword-content?id=998) بیشتر است، هم توکلمان به خدا الحمدللّه کم نیست، هم توانائى‌هاى عینى و موجود و محسوس و ملموس ما بیشتر از گذشته است. قدرتها با همه‌ى توانشان دارند تلاش میکنند، اعتراف میکنند که نمیتوانند پیش بروند؛ نتوانستند کار خودشان را پیش ببرند.

یک واقعیت دیگر این است که جبهه‌ى مقابل ما در طول این سالها ضعیف‌تر شده است. یعنى اگر ما دو نماد اصلى این جبهه را آمریکا و رژیم صهیونیستى بدانیم، و غرب را دنبال سر اینها بدانیم، واضح است که اینها ضعیف‌تر شده‌اند. امروز رژیم صهیونیستى بمراتب ضعیف‌تر از بیست سال قبل و سى سال قبل است. بعد از حوادث شمال آفریقا و مسئله‌ى مصر، رژیم صهیونیستى بشدت تضعیف شده است؛ هم از درون دچار مشکل است، هم از بیرون مشکلات بى‌نهایتى دارد. آمریکاى امروز هم آمریکاى زمان ریگان نیست؛ اینها بمراتب عقب رفتند. در عراق وضعشان آنجورى شد؛ در افغانستان روزبه‌روز وضعشان بدتر شده است؛ در سیاستهاى خاورمیانه‌اى‌شان شکست خوردند؛ در جنگ سى‌وسه روزه، عاملشان که رژیم صهیونیستى است، شکست خورد؛ در جنگ بیست و دو روزه، عاملشان که رژیم صهیونیستى است، نتوانست در مقابل یک میلیون و اندى انسان بى‌دفاع کارى از پیش ببرد. اینها واقعیتهاى خیلى مهمى است. بنابراین اینها ضعیف شده‌اند. اینها نسبت به بیست سال قبل و سى سال قبل بمراتب ضعیف‌ترند. این هم یک واقعیت دیگر است.

**اتوبوسی که زیر بهمن گیر کرده است**

یک واقعیت دیگر این است که رژیمهاى مخالف نظام جمهورى اسلامى درگیر [بحرانند](http://farsi.khamenei.ir/keyword-content?id=2236)؛ همین چند دولت غربى، خودشان و اطرافیانشان دچار بحرانند. با این بحران اقتصادى‌اى که در اروپا وجود دارد، اتحاد اروپا جداً در تهدید است، یورو جداً مورد تهدید است. آمریکا هم به نحو دیگرى؛ کسرى بودجه‌ى فراوان، قرض فراوان، فشار مردم، حرکت ضد وال‌استریت، حرکت - به قول خودشان - نود و نُه درصدى. اینها حوادث مهمى است. البته وضع اروپا از آمریکا بدتر است؛ چند دولتشان سقوط کردند. الان در چندین کشور اروپائى بى‌ثباتى وجود دارد.

مشکلات آنها با مشکلات ما فرق هم میکند. مشکلات اقتصادى و بحران اقتصادى اروپا با مشکلات اقتصادى‌اى که ما احیاناً دچارش میشویم، متفاوت است. مشکلات ما مثل مشکلات یک گروه کوهنورد است که دارد در راهى حرکت میکند. راه سختى است و البته مشکلاتى دارد؛ گاهى آب میخواهند، گاهى غذا میخواهند، گاهى مشکلات دارند، گاهى به یک مانعى برخورد میکنند؛ اما دارند طرف بالا میروند. مشکلات ما از این قبیل است. مشکلات اروپائى‌ها مثل اتوبوسى است که زیر بهمن گیر کرده. سالها خود آنها بدون اینکه بدانند، مقدمات این مشکل را فراهم کردند. این فاصله‌هاى طبقاتى، این غلبه‌ى سازوکار ربا در مسائل مادى، این تقویت زورمندان مادى، این نفوذپذیرى از صهیونیستهاى پول‌پرست و مال‌پرست، آنها را دچار مشکلاتى کرده؛ این بهمنى است که روى سرشان افتاده. بنابراین مشکلات آنها با مشکلات ما خیلى متفاوت است. این هم یک واقعیت است.

واقعیت دیگر، همین تحولات شمال آفریقا و تحولات مجموعه‌ى این منطقه است. در بعضى جاها این تحولات به تغییر نظامها و رژیمها منتهى شده؛ بعضى هم نشده، اما در خطرند. که من از اینها عبور میکنم.

**سیاست تحدید نسل از سال 71 به بعد خطا بود.**

یک واقعیت دیگر، توان افزایش‌یافته در درون جمهورى اسلامى است. ما کشور قدرتمندى هستیم. ما کشور دارا و توانائى هستیم. از لحاظ منابع، ما در رتبه‌هاى بالاى جهانى هستیم. در بعضى از منابع، رتبه‌ى اوّلیم. در ترکیب نفت و گاز، ما در دنیا اوّلیم. از همه‌ى کشورهائى که داراى نفت هستند یا داراى گاز هستند، مجموع نفت و گاز ما بیشتر است. از لحاظ منابع و معادن اساسى، کشور غناى بالا و فراوانى دارد. از لحاظ نیروى انسانى، ما هفتاد و پنج میلیون نفر جمعیت داریم؛ این جمعیت عامل خیلى مهمى است.

من این را همین جا عرض بکنم؛ جمعیت جوان و بانشاط و تحصیلکرده و باسواد کشور، امروز یکى از عاملهاى مهم پیشرفت کشور است. در همین آمارهائى که داده میشود، نقش جوانهاى تحصیلکرده و آگاه و پرنشاط و پرنیرو را مى‌بینید. ما باید در سیاست تحدید نسل تجدیدنظر کنیم. سیاست تحدید نسل در یک برهه‌اى از زمان درست بود؛ یک اهدافى هم برایش معین کردند. آنطورى که افراد متخصص و عالم و کارشناسان علمىِ این قسمت تحقیق و بررسى کردند و گزارش دادند، ما در سال ۷۱ به همان مقاصدى که از تحدید نسل وجود داشت، رسیدیم. از سال ۷۱ به این طرف، باید سیاست را تغییر میدادیم؛ خطا کردیم، تغییر ندادیم. امروز باید این خطا را جبران کنیم. کشور باید نگذارد که غلبه‌ى نسل جوان و نماى زیباى جوانى در کشور از بین برود؛ و از بین خواهد رفت اگر به همین ترتیب پیش برویم؛ آنطورى که کارشناسها بررسى علمى و دقیق کردند. اینها خطابیات نیست؛ اینها کارهاى علمى و دقیقِ کارشناسى‌شده است. اگر چنانچه با همین وضع پیش برویم، تا چند سال دیگر نسل جوان ما کم خواهد شد - که امروز قاعده‌ى جمعیتى ما جوان است - و بتدریج دچار پیرى خواهیم شد؛ بعد از گذشت چند سال، جمعیت کشور هم کاهش پیدا خواهد کرد؛ چون پیرى جمعیت با کاهش زاد و ولد همراه است. یک زمانى را مشخص کردند و به من نشان دادند، که در آن زمان، ما از جمعیت فعلى‌مان کمتر جمعیت خواهیم داشت. اینها چیزهاى خطرناکى است؛ اینها را بایستى مسئولین کشور بجد نگاه کنند و دنبال کنند. در این سیاست تحدید نسل حتماً بایستى تجدیدنظر شود و کار درستى باید انجام بگیرد. این مسئله‌ى افزایش نسل و اینها جزو مباحث مهمى است که واقعاً همه‌ى مسئولین کشور - نه فقط مسئولین ادارى - روحانیون، کسانى که منبرهاى تبلیغى دارند، باید در جامعه درباره‌ى آن فرهنگ‌سازى کنند؛ از این حالتى که امروز وجود دارد - یک بچه، دو بچه - باید کشور را خارج کنند. [رقم صد و پنجاه میلیون و دویست میلیون را اول امام گفتند](http://farsi.khamenei.ir/sahifeh-content?id=14519#200) - و درست هم هست - ما باید به آن رقمها برسیم.

**در یک زمانی عقب نشینی دشمن را گستاخ تر کرد.**

یک واقعیت دیگر این است، در هر برهه‌اى که ما در مقابل جبهه‌ى دشمن انعطاف نشان دادیم و با توجیه‌هائى عقب‌نشینى کردیم - مثلاً یک وقت گفتیم بگذارید بهانه را از دست دشمن بگیریم، یک وقت گفتیم بگذارید سوءظن دشمن را از خودمان زائل کنیم - دشمن مواضع گستاخانه‌ترى علیه ما گرفته. در آن روزى که ادبیات مسئولین ما آلوده شد به حرفها و تعبیرات تملق‌آمیز نسبت به غرب و فرهنگ غربى، در آن روز اینها ما را «محور شرارت» معرفى کردند! چه کسى؟ آن کسى که خودش مجسمه‌ى شرارت بود. رئیس جمهور قبلى آمریکا - مجسمه‌ى شرارت - ایران اسلامى را «محور شرارت» معرفى کرد! این کِى بود؟ آن وقتى که ما در ادبیات خودمان، در اظهارات خودمان، حرفهاى تملق‌آمیز نسبت به غرب و نسبت به آمریکا و اینها را تکرار میکردیم. اینها اینجورى‌اند. در همین قضیه‌ى هسته‌اى، آن وقتى که ما با اینها همراهى کردیم و عقب‌نشینى کردیم - البته براى ما تجربه‌اى بود، اما این واقعیت است - اینها جلو آمدند؛ اینقدر جلو آمدند که من در همین حسینیه گفتم اگر بنا باشد که این روال از سوى آنها ادامه پیدا کند، من خودم وارد قضیه خواهم شد؛ و وارد قضیه شدم؛ ناچار شدیم؛ اینها کار ما نیست.
عقب‌نشینى‌ها آنها را گستاخ‌تر کرد، طلبگارتر کرد. یک روزى بود که مسئولین ما قانع بودند که اجازه بدهند ما ۲۵ سانتریفیوژ در کشور داشته باشیم؛ آنها گفتند نمیشود! اینها قانع شدند که ۵ تا سانتریفیوژ داشته باشیم؛ باز هم گفتند نمیشود! مسئولین ما قانع شدند که ۳ تا سانتریفیوژ داشته باشیم؛ باز هم گفتند نمیشود! امروز گزارش را شنیدید، یازده هزار سانتریفیوژ داریم! اگر ما آن عقب‌نشینى‌ها را، آن انعطافها را ادامه میدادیم، امروز از پیشرفت هسته‌اى که هیچ خبرى نبود، به این نشاط علمى هم که در چند سال اخیر در کشور وجود پیدا کرده - این [حرکت علمى](http://farsi.khamenei.ir/keyword-content?id=1693)، این جوانها، این ابتکارات، اختراعات، پیشرفتهاى گوناگون در بخشهاى مختلف - قطعاً لطمه میخورد؛ چون اولاً نسبت به هر یک از آنها ممکن بود یک بهانه‌اى بیاورند؛ ثانیاً حرکت هسته‌اى و صنعت هسته‌اى، نماد پیشرفت یک کشور است. این هم یک واقعیت دیگر است.

**هیچ کدام از این واقعیت ها تحلیل نبود.**

یک واقعیت دیگر هم این است که اگر کشور در مقابل فشارهاى دشمن - از جمله در مقابل همین تحریمها و از این چیزها - مقاومت مدبرانه بکند، نه فقط این حربه کُند خواهد شد، بلکه در آینده هم امکان تکرار چنین چیزهائى دیگر وجود نخواهد داشت؛ چون این یک گذرگاه است، این یک برهه است؛ کشور از این برهه عبور خواهد کرد. این چیزهائى که الان آنها تهدید میکنند، تحریم میکنند، جز آمریکا و جز رژیم صهیونیستى، هیچ کس ذى‌نفع از این تحریمها نیست. دیگران را با زور و با فشار و با رودربایستى و با این چیزها وارد میدان کردند. خب، پیداست که زور و فشار و رودربایستى نمیتواند خیلى ادامه پیدا کند - یک مدتى است - شاهدش هم این است که مجبور شدند بیست تا کشور را از همین تحریمهاى نفتى و امثال اینها استثناء کنند! دیگرانى هم که استثناء نشدند، خودشان مایل نیستند، و بیش از آنچه که ما بخواهیم یا همان اندازه که ما میخواهیم، آنها دنبال راه‌حل میگردند. بنابراین بایستى مقاومت کرد. خب، اینها واقعیتهاى ملموس است. اینهائى که عرض کردم، هیچکدامش تحلیل نبود، ذهنى نبود؛ چیزهائى است که مشاهده میکنیم.

**یک قدری دچار تنبلی هستیم.**

البته در کنار این واقعیتها، این واقعیت هم هست که ما هنوز آن حالت لازمِ متناسب اسلامى را در میدان کار و اینها در خودمان به وجود نیاوردیم؛ یک قدرى دچار تنبلى هستیم؛ این جزو میراثهاى دوران استبداد و تسلط دیکتاتورى بر کشور است. وقتى در یک کشورى دیکتاتورى بود، مردم تنبل میشوند؛ استعدادها به میدان تجربه و عمل وارد نمیشوند. این میراث دوران استبداد است که در ما وجود دارد. باید تنبلى را کنار بگذاریم. آن خطرپذیرى لازم در همه‌ى بخشهاى جامعه نیست. با توکل به خداى متعال، و با تدبیر و درایت لازم، باید خطرپذیرى وجود داشته باشد؛ این را باید همه داشته باشیم.

**مثل یک ریاضیدان مشکلات را حل کنید.**

خب، اینکه ما عرض کردیم وضعیت بدر و خیبر، یعنى همین. وضعیت بدر و خیبر یعنى تهدید هست، چالش هست، اما بن‌بست نیست. در بدر امکانات کم بود، اما غلبه حاصل شد. امکانات طرف مقابل، چندین برابر؛ شاید در بعضى بخشها، غیرقابل مقایسه‌ى با امکانات جبهه‌ى اسلام بود. در خیبر سختى وجود داشت؛ رفتند مدتها آنجا ماندند؛ مقاومت دشمن شدید بود؛ اما غلبه پیدا کردند. چالش هست؛ اما در قبال چالش، توان و قدرت و استعداد و ظرفیت هم وجود دارد. این، معناى وضعیت بدر و خیبر است. اگر این ظرفیت را به میدان آوردیم، اگر نقاط ضعف را کم کردیم، پیشرفت خواهیم کرد.
آنچه که من در دنباله‌ى عرایضم عرض میکنم - که دیگر وقت دارد تمام میشود و مجال نیست - این است که برادران و خواهران عزیز! مسئولان محترم! ما باید مسائل کشور را با این دید نگاه کنیم؛ آرمانها جلوى چشم ما باشد؛ واقعیتهاى تشویق‌کننده جلوى چشم ما باشد. در مورد واقعیتهاى منفى - که در واقع در بعضى موارد واقعیت‌سازى است، واقعیت‌نمائى است - دچار اشتباه نشویم. البته توان دشمن را دست‌کم نگیریم، سهل‌انگارى و ساده‌انگارى نکنیم. مسئله، مسئله‌ى اساسى و مهمى است. شما مثل یک ریاضیدانى که میخواهد یک مسئله‌ى مهم ریاضى را حل کند، بر سر این مسئله تلاشتان را به کار ببرید و مسئله را حل کنید. شما ریاضیدان بااستعدادى هستید؛ این هم یک مسئله‌ى ریاضى است. اینجورى باید با مسائل گوناگون برخورد کنید. خوشبختانه انسان مشاهده میکند که همین روحیه هم در دستگاه‌هاى گوناگون وجود دارد. به مسئله‌ى اقتصاد باید با این دید نگاه کرد.

**هدف دشمن فشار اقتصادی به کشور است.**

[ما چند سال پیش «اقتصاد مقاومتى» را مطرح کردیم.](http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=10077#1) همه‌ى کسانى که ناظر مسائل گوناگون بودند، میتوانستند حدس بزنند که هدف دشمن، فشار اقتصادى بر کشور است. معلوم بود و طراحى‌ها نشان میداد که اینها میخواهند بر روى اقتصاد کشور متمرکز شوند. اقتصاد کشور ما براى آنها نقطه‌ى مهمى است. هدف دشمن این بود که بر روى اقتصاد متمرکز شود، به رشد ملى لطمه بزند، به اشتغال لطمه بزند، طبعاً رفاه ملى دچار اختلال و خطر شود، مردم دچار مشکل شوند، دلزده بشوند، از نظام اسلامى جدا شوند؛ هدف فشار اقتصادى دشمن این است، و این محسوس بود؛ این را انسان میتوانست مشاهده کند.
[من سال ۸۶](http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3378#2) در صحن مطهر على‌بن‌موسى‌الرضا (علیه الصّلاة و السّلام) در سخنرانىِ اول سال گفتم که اینها دارند مسئله‌ى اقتصاد را پیگیرى میکنند؛ بعد هم آدم میتواند فرض کند که این شعارهاى سال حلقه‌هائى بود براى ایجاد یک منظومه‌ى کامل در زمینه‌ى مسائل اقتصاد؛ یعنى [اصلاح الگوى مصرف](http://farsi.khamenei.ir/keyword-content?id=976)، مسئله‌ى جلوگیرى از اسراف، مسئله‌ى [همت مضاعف و کار مضاعف](http://farsi.khamenei.ir/keyword-content?id=1076)، مسئله‌ى [جهاد اقتصادى](http://farsi.khamenei.ir/keyword-content?id=1690)، و امسال تولید ملى و حمایت از کار و سرمایه‌ى ایرانى. ما اینها را به عنوان شعارهاى زودگذر مطرح نکردیم؛ اینها چیزهائى است که میتواند حرکت عمومى کشور را در زمینه‌ى اقتصاد ساماندهى کند؛ میتواند ما را پیش ببرد. ما باید دنبال این راه باشیم.

**مردمی کردن اقتصاد،از الزامات اقتصاد مقاومتی است.**

مسئله‌ى اقتصاد مهم است؛ اقتصاد مقاومتى مهم است. البته اقتصاد مقاومتى الزاماتى دارد. مردمى کردن اقتصاد، جزو الزامات اقتصاد مقاومتى است. این سیاستهاى اصل ۴۴ که اعلام شد، میتواند یک تحول به وجود بیاورد؛ و این کار باید انجام بگیرد. البته کارهائى انجام گرفته و تلاشهاى بیشترى باید بشود. بخش خصوصى را باید توانمند کرد؛ هم به فعالیت اقتصادى تشویق بشوند، هم سیستم بانکى کشور، دستگاه‌هاى دولتى کشور و دستگاه‌هائى که میتوانند کمک کنند - مثل قوه‌ى مقننه و قوه‌ى قضائیه - کمک کنند که مردم وارد میدان اقتصاد شوند. [کاهش وابستگى به نفت](http://farsi.khamenei.ir/keyword-content?id=1935) یکى دیگر از الزامات اقتصاد مقاومتى است. این وابستگى، میراث شوم صد ساله‌ى ماست. ما اگر بتوانیم از همین فرصت که امروز وجود دارد، استفاده کنیم و تلاش کنیم نفت را با فعالیتهاى اقتصادىِ درآمدزاى دیگرى جایگزین کنیم، بزرگترین حرکت مهم را در زمینه‌ى اقتصاد انجام داده‌ایم. امروز صنایع دانش‌بنیان از جمله‌ى کارهائى است که میتواند این خلأ را تا میزان زیادى پر کند. ظرفیتهاى گوناگونى در کشور وجود دارد که میتواند این خلأ را پر کند. همت را بر این بگماریم؛ برویم به سمت این که هرچه ممکن است، وابستگى خودمان را کم کنیم.

**پرهیز از اسراف و تعادل در مصرف یک حرکت جهادی است.**

مسئله‌ى مدیریت مصرف، یکى از ارکان اقتصاد مقاومتى است؛ یعنى مصرف متعادل و پرهیز از اسراف و تبذیر. هم دستگاه‌هاى دولتى، هم دستگاه‌هاى غیر دولتى، هم آحاد مردم و خانواده‌ها باید به این مسئله توجه کنند؛ که این واقعاً جهاد است. امروز پرهیز از اسراف و ملاحظه‌ى تعادل در مصرف، بلاشک در مقابل دشمن یک حرکت جهادى است؛ انسان میتواند ادعا کند که این اجر جهاد فى‌سبیل‌اللّه‌ را دارد.

یک بُعد دیگرِ این مسئله‌ى تعادل در مصرف و مدیریت مصرف این است که ما از تولید داخلى استفاده کنیم؛ این را همه‌ى دستگاه‌هاى دولتى توجه داشته باشند - دستگاه‌هاى حاکمیتى، مربوط به قواى سه‌گانه - سعى کنند هیچ تولید غیر ایرانى را مصرف نکنند؛ همت را بر این بگمارند. آحاد مردم هم مصرف [تولید داخلى](http://farsi.khamenei.ir/keyword-content?id=1415) را بر مصرف کالاهائى با مارکهاى معروف خارجى - که بعضى فقط براى نام و نشان، براى پز دادن، براى خودنمائى کردن، در زمینه‌هاى مختلف دنبال مارکهاى خارجى میروند - ترجیح بدهند. خود مردم راه مصرف کالاهاى خارجى را ببندند.

**تصمیم های خلق الساعة و تغییر مقررات ضربه به اقتصاد مقاومتی است.**

به نظر ما طرحهاى «اقتصاد مقاومتى» جواب میدهد. همین مسئله‌ى سهمیه‌بندى بنزین که اشاره کردند، جواب داد. اگر چنانچه بنزین سهمیه‌بندى نمیشد، امروز مصرف بنزین ما از صد میلیون لیتر در روز بالاتر میرفت. توانستند این را کنترل کنند؛ که خب، امروز در یک حد خیلى خوبى هست. حتّى باید جورى باشد که هیچ به بیرون نیازى نباشد، که الحمدللّه‌ نیست. تحریم بنزین را در برنامه داشتند؛ اقتصاد مقاومتى تحریم بنزین را خنثى کرد. و بقیه‌ى چیزهائى که مورد نیاز کشور است.
هدفمند کردن یارانه‌ها هم در جهت شکل دادن به اقتصاد ملى است؛ که اینها میتواند هم رونق ایجاد کند - در تولید، در اشتغال - و هم موجب رفاه شود؛ اینها مایه‌ى رشد تولید کشور، رشد اقتصادى کشور، مایه‌ى [اقتدار](http://farsi.khamenei.ir/keyword-content?id=1061) یک کشور است. با رشد تولید، یک کشور در دنیا اقتدار حقیقى و آبروى بین‌المللى پیدا میکند. این کار بایستى به انجام برسد.

و استفاده‌ى حداکثرى از زمان و منابع و امکانات. از زمان باید حداکثر استفاده بشود. طرحهائى که سالهاى متمادى طول میکشید، امروز خوشبختانه با فاصله‌ى کمترى انسان مى‌بیند که فلان کارخانه در ظرف دو سال، در ظرف هجده ماه به بهره‌بردارى رسید. باید این را در کشور تقویت کرد.

حرکت بر اساس برنامه، یکى از کارهاى اساسى است. تصمیمهاى خلق‌الساعه و تغییر مقررات، جزو ضربه‌هائى است که به «اقتصاد مقاومتى» وارد میشود و به مقاومت ملت ضربه میزند. این را، هم دولت محترم، هم مجلس محترم باید توجه داشته باشند؛ نگذارند سیاستهاى اقتصادى کشور در هر زمانى دچار تذبذب و تغییرهاى بى‌مورد شود.

**مشکلات را به گردن این و آن انداختن،آبرو و وجهه ایجاد نمی کند.**

یک مسئله هم مسئله‌ى وحدت و همبستگى است. در کشور ما خوشبختانه ملت متحدند؛ این خیلى دستاورد مهمى است؛ از این باید صیانت کرد؛ نگذاریم از بین برود. این اختلافاتى که گاهى بین مسئولین بروز میکند - که به سطح رسانه‌ها هم کشیده میشود؛ بیخود، بى‌مورد، بى‌فایده - به [اتحاد ملى](http://farsi.khamenei.ir/keyword-content?id=988) ضربه میزند. یک عده میشوند طرفدار این، یک عده هم میشوند طرفدار آن؛ مخالفت کردن، متهم کردن یکدیگر؛ یک عده‌اى قوه‌ى مجریه را متهم کنند، یک عده‌اى از آن طرف قوه‌ى مقننه را متهم کنند، یک عده‌اى قوه‌ى قضائیه را متهم کنند، تقصیرها را گردن هم بیندازند؛ این جزو کارهاى بسیار مضر است و دوستان محترم ما، مسئولان عزیز کشور بدانند که این در بین مردم هم هیچگونه آبرو و وجهه‌اى ایجاد نمیکند که ما مشکلات را هى به گردن این و آن بیندازیم. نه، یک مشکلاتى وجود دارد؛ باید حل کرد و میتوانیم هم حل کنیم؛ ما از حل مشکلاتمان ناتوان نیستیم. همان طور که عرض کردم، اینها واقعیتهاى کشور است که دارد به ما نشان میدهد.
امیدواریم ان‌شاءاللّه‌ خداى متعال به برکت این ماه و به برکت این ساعات، برکات خودش را بر ملت عزیز ما و مسئولان ما نازل کند. پروردگارا ! به محمد و آل محمد، ملت ایران را، آحاد مردم را، مسئولان کشور را به طور کامل از برکات این ماه بهره‌مند بفرما. پروردگارا ! به محمد و آل محمد، ملت ایران را، نظام جمهورى اسلامى را در همه‌ى عرصه‌ها بر دشمنانش پیروز کن. پروردگارا ! به محمد و آل محمد، بدخواهان جمهورى اسلامى و نظام مقدس اسلامى و ملت عزیز ایران را منکوب و مغلوب بفرما. پروردگارا ! دلهاى ما را از انگیزه‌هاى ناسالم، از احساسات ناسالم، پاک و مبرّا بفرما. پروردگارا ! دعاى حضرت بقیةاللّه‌ (ارواحنا فداه) را شامل حال ما بگردان؛ ما را شایسته‌ى دعاى آن بزرگوار قرار بده. پروردگارا ! آنچه گفتیم، آنچه کردیم، آنچه شنیدیم، براى خودت و در راه خودت قرار بده و آن را به کرم خودت قبول بفرما.

والسّلام علیکم و رحمةاللّه و برکاته‌

[۱) مریم: ۳۹](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?sid=19&npt=7&aya=39#23495)
[۲) مریم: ۳۹](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?sid=19&npt=7&aya=39#23495)